

شب قدر و فرصت‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد اکبریان*

مقدمه

عن ابی عبدالله علیه السلام: «غُرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛^۱ سرآمد تمام ماه‌ها، ماه خدا، ماه رمضان است و قلب ماه رمضان، شب قدر است». شب وصل است و طی شد نامه هجر^۲ سلام فيه حتى مطلع الفجر^۳

انسان موجودی نامتناهی خواه و بی‌نهایت طلب است، اما با محدودیت‌هایی در جهان مادی مواجه است. از محدودیت‌های عالم مادی، محدودیت زمان و مکان و جسم است. جان انسان در حالی که خواهش‌رهایی از آن بندها و شوق پرواز در ملکوت دارد، خود را گرفتار آنها و چسبیده به زمین و جهان مادی می‌بیند.^۳ از سوز دل نجوا دارد که:

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. حویزی، نورالتقلین، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. غزلیات حافظ، غزل ۲۵۱.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ» (توبه، آیه ۳۸).

چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس که در سراچه ترکیب تخته بند تنم^۱
اما این محدودیت‌ها نمی‌تواند او را از میل دستیابی به آن تمنای بزرگ باز دارد و با خود می‌گوید:
دست از طلب ندارم تا کام من برآید یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید^۲
پس در پی فرصت مناسب است تا آن‌گاه که نسیم ماه صیام بوزد. با کم شدن خواهش‌های مادی
و جسمانی در این ماه عزیز و سبک، و آزاد شدن جان انسان، زمان پرواز فرا می‌رسد و خدای
مهربان نیز با لطف و توجه ویژه خود، در شبی عزیز و بزرگ تنگی زمان و مکان را از او برمی‌دارد
و آن شب را به درازای هزار ماه، بلکه بیش از آن؛ وسعت می‌بخشد و زمین را با نزول فرشتگانش،
به وسعت رحمت بی‌پایانش می‌گستراند.
آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یا رب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است^۳

معنای قدر

معانی متعددی برای مفهوم «قدر» در کلمه شب قدر بیان شده است؛ از جمله:
۱. شرف و منزلت؛ به جهت منزلت عبادت در آن شب؛^۴ یا منزلت نزول قرآن در آن؛^۵ یا شرافت
و منزلت عبادت‌کننده گان در آن.^۶
۲. تنگی و ضیق؛ به جهت کثرت نزول فرشتگان در زمین^۷ تا بر مؤمنان سلام دهند^۸ و در
محضر امام زمان حاضر شوند.^۹

۱. غزلیات حافظ، غزل ۳۴۲.

۲. همان، غزل ۲۳۳.

۳. همان، غزل ۳۱.

۴. طبرسی، حسن، مجمع البیان، ص ۷۸۶.

۵. همان.

۶. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۱.

۷. همان.

۸. عبدالله بن عمر بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۵، ص ۹۹؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸،
ص ۴۲۸.

۹. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۵۲.

۳. تقدیر و اندازه‌گیری؛ آن‌گونه که در قرآن آمده؛ هر چیزی در این تقدیر و از هم جدا می‌شود.^۱ و امام علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «يُقَدَّرُ فِيهَا مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَصْرَةٍ أَوْ مَنْفَعَةٍ أَوْ رِزْقٍ أَوْ أَجَلٍ وَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»^۲ در این شب؛ تمام آن‌چه در سال خواهد بود، تقدیر می‌شود. خیر باشد، یا شر، ضرر باشد، یا سود، روزی باشد یا مرگ. به همین جهت، شب قدر نامیده شده است.»

قدر ذاتی و قدر اکتسابی

تمام معانی بیان شده برای شب قدر، در بیان وصف خود این شب است و یا وصف مومنان در این شب. معانی که در وصف خود این شب بیان شده، در واقع، بیان جایگاه و ارزش ذاتی و تکوینی این شب است و حاکی از عنایت الهی به همه انسان‌ها است. معنای دوم، ارزش و جایگاه کسانی است که آن را شب عبادت و بندگی خود برمی‌گزینند که آن را منزلت اکتسابی می‌نامیم. بر این اساس، اگر چه نزول فرشتگان و برکات آسمانی و نزول قرآن، خیر و رحمت برای همگان است، اما کسانی از آن بهره می‌برند که به آن ایمان داشته و قدر بدانند و از آن بهره مند گردند؛ آن‌گونه که در مورد قرآن آمده است: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».^۳ آری! تنها مؤمنانند که از آیات رحمت الهی بهره مند شده و دیگران با تکذیب آیات الهی، جز خسران نصیب خود نمی‌کنند و از آن سو، کسانی که خود را آماده دریافت فیض و رحمت الهی در شب قدر کرده‌اند و در آن به عبادت و بندگی مشغول شده‌اند، قدر و منزلت این شب را کسب کرده و از برکات آن بهره‌مند خواهند شد. آورده‌اند که یکی از بزرگان بنی اسرائیل می‌گفت: خدایا! چه بسیار گناه و نافرمانی‌ات کردم، اما عذابم نکردی؟ خداوند به پیامبری از بنی اسرائیل وحی کرد: به فلانی بگو که چه بسیار عذابت کرده‌ام، اما نفهمیدی! آیا از تو لذت مناجاتم را نگرفتم؟^۴

فرصت‌های زندگی

زندگی انسان‌ها از فراز و نشیب‌هایی برخوردار است و عوامل پنهان و آشکار بسیاری، زندگی را

۱. دخان، آیه ۳-۴.

۲. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳. اسراء، آیه ۸۲.

۴. جامی، نفحات الانس، ص ۷۴.

تحت تأثیر خود قرار داده و فرصت‌های بی‌شمار را در اختیار انسان قرار می‌دهد. درجه اهمیت فرصت‌های زندگی، به اهمیت فایده و بهره‌ای است که آنها در اختیار انسان قرار می‌دهند. بی‌شک فرصت‌های معنوی که زندگی سعادت‌مندانه ابدی را در اختیار انسان قرار می‌دهند، برای کسی که ایمان به خدا و قیامت دارد، از اهمیت و ارزش بالاتری برخوردار است. و این‌که آن فرصت، چه درجه و مرتبه‌ای از کمالات معنوی را در اختیار انسان قرار می‌دهد، مقدار اهمیت و ارزش آن را نیز روشن می‌سازد.

اغتنام فرصت‌ها

فرصت‌های زندگی در قالب زمان رخ می‌دهند و انسان وقت‌شناس هر لحظه از زمان را غنیمت می‌داند و از آن بهره می‌گیرد. یکی از انواع زمان شناسی، وقت‌شناسی عارفانه است که به آن «ابن الوقت» می‌گویند. «ابن الوقت بودن عارف، یعنی سالک باید هر لحظه‌ای را غنیمت بشمارد و هر لحظه در پی نشانی از سوی خداوند باشد و در صورت وزیدن نفحه الهی، واکنش مناسب نشان دهد».^۱ عارف باید وقت شناس باشد، یعنی حالتی که از غیب بر او نمایان شده است و وظیفه‌ای که درباره آن حالت دارد، باید بشناسد.^۲

صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق
نیست فردا گفتن از شرط طریق^۳

در روایت از پیامبر ﷺ آمده است: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؛^۴ خداوند در روزهای زندگی‌تان نسیم‌هایی قرار داده است. آگاه باشید که آنها را دریابید». فرصت‌ها زودگذر و ناپایدار است؛ آن‌گونه که امیر مومنان علیه السلام می‌فرماید: «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛^۵ فرصت، همانند ابر می‌گذرد. فرصت‌های خیر را غنیمت بشمارید».^۶

فرصت غنیمت است غنیمت رها مکن
بشنو نصیحتی و نصیحت رها مکن^۶

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۷۴۷

۲. همان، ص ۹۲۶

۳. مولوی، محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۹۵

۴. ابن ابی جمهور احسانی، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۱۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

۵. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۷۱.

۶. دیوان شاه نعمت‌الله ولی، غزلیات، غزل ۱۲۹۷.

نادانی و ناآگاهی از اهمیت فرصت‌ها، یکی از علت‌های اساسی از دست دادن آنها است. حکایت شده که دو مرد در کنار دریاچه‌ای مشغول ماهیگیری بودند. یکی از آنها ماهیگیر با تجربه و ماهری بود، اما دیگری ماهیگیری نمی‌دانست. هر بار که مرد با تجربه یک ماهی بزرگ می‌گرفت، آنرا در ظرف یخی که در کنار دستش بود می‌انداخت تا ماهی‌ها تازه بمانند، اما دیگری به محض گرفتن یک ماهی بزرگ آن را به دریا پرتاب می‌کرد.

ماهیگیر با تجربه از اینکه می‌دید آن مرد چگونه ماهی را از دست می‌دهد بسیار متعجب بود؛ بنابراین پس از مدتی از او پرسید: چرا ماهی‌های به این بزرگی را به دریا پرت می‌کنی؟ مرد جواب داد: برای آن‌که تابه من کوچک است!

انسان، موجودی بسیار با عظمت و بزرگ است و ظرف وجودی او برای دریافت فیض الهی کوچک نیست. در شعری منسوب به امیر مومنان می‌خوانیم:

و تَحَسَّبُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ^۱

و تصور می‌کنی که جرم کوچکی هستی؛ در حالی که در وجود تو عالمی بزرگ پیچیده شده است.

مؤمن بی‌تردید از این حقیقت آگاه است که اگر قدر و منزلت او بزرگ و با عظمت نبود، شب با عظمت قدر برای او مقدر نمی‌شد؛ بنابراین هم ارزش خود را می‌داند و هم ارزش عنایت و لطف خداوند به خود و هم ارزش شب قدری که برای او قرار داده شده و این فرصت را به راحتی از دست نمی‌دهد.

آمادگی بهره‌گیری از فرصت شب قدر

برای استفاده هر چه بهتر از هر موقعیتی، انسان باید از پیش، خود را برای آن آماده سازد. جسم و جانش را لایق و آماده برای دریافت نسیم الهی کند و مقدماتی که برای آن لازم است، فراهم آورد؛ مثلاً برای آماده شدن در نماز، خداوند وضو را مقرر داشته، سپس اذان و اقامه، تا جسم و جان، پاک و آماده برای حضور در پیشگاه الهی شود. افزون بر آنها پیش زمینه‌های دیگری برای آن بیان شده که در زمره مستحبات قرار می‌گیرند. آن‌که گناه می‌کند، جسم و جانش آماده برای

۱. میبیدی، حسین، دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۷۵.

برخاستن در دل شب و اقامه نماز شب نخواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ؛^۱ مرد گناه می کند به همین جهت از نماز شب محروم می شود. همانا کار بد (گناه) در صاحبش زودتر کارگر می شود تا کار در گوشت».

آماده کردن دل برای دریافت عظمت شب قدر و ثواب و پاداش و فضایل بسیار آن، شرط لازم برای آن است. انسان با روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، دعاها و مناجات در شب های آن، آماده می شود تا از فیض شب قدر بهره مند گردد. در سیره ائمه علیهم السلام برخی راهکارهای عملی برای آمادگی درک، حضور جسم و جان در شب قدر و استفاده هر چه بهتر از این فرصت ارائه شده است. در زندگی امام زین العابدین علیه السلام آمده است: «كَانَ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ تَصَدَّقَ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَيَقُولُ لَعَلِّي أُصِيبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛^۲ هر گاه که ماه رمضان وارد می شد، در هر روز رمضان یک درهم صدقه می دانند و آن گاه می فرمودند: شاید با این عمل شب قدر را دریابم و از این فرصت بهره گیرم».

فرصت های شب قدر

ماه مبارک رمضان، فرصتی بزرگ برای بهره گیری معنوی انسان و پیشرفت در نردبان معرفت و کمال است و شب قدر، فرصتی بزرگ تر و عظیم تر در دل ماه با عظمت رمضان است. شب قدر ویژگی های خاصی دارد و این ویژگی های خاص، فرصت های خاص و بی همتایی نیز در اختیار انسان مومن قرار می دهد. برخی از این ویژگی ها اختصاص به شب قدر دارد و برخی دیگر با شب های دیگر سال مشترک است.

فرصت های ویژه شب قدر

۱. شب تقدیر

بنابر تقدیر عامی که خداوند برای تمام عالم قرار داده است. «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۳ انسان نیز از تقدیر عام برخوردار است که برای تمام زندگی انسان از ابتدای تولد تا

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. سید بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۶۴.

۳. طلاق، آیه ۳.

پایان آن مقرر است، اما افزون بر این تقدیر عام، از تقدیر خاص نیز برخوردار است که در شب قدر برای انسان مقدر می‌شود و در آیات ۳ تا ۴ سوره مبارکه دخان به آن اشاره شده است و بنابر آنچه در روایات آمده، مقدرات انسان تا یک سال در این شب تثبیت می‌شود.^۱ علامه طباطبایی در بیان تفاوت این دو نوع تقدیر در زندگی انسان، می‌فرماید: «امور عالم به حسب قضای الهی، دارای دو مرحله است؛ مرحله اجمال و مرحله تفصیل، و شب قدر بنابر آیه مبارکه مذکور، شبی است که امور از مرحله اجمال به مرحله تفصیل می‌آید.^۲ بنابراین تقدیر عام، تقدیر اجمالی و تقدیر در شب قدر، تقدیر تفصیلی است؛ آنچه به اجمال در تقدیر انسان آمده بود، به تفصیل در شب قدر ثبت می‌شود.

این ویژگی مهم، این فرصت را به ما یادآور می‌شود که باید در این شب با دعا و مناجات به درگاه الهی بکوشیم تا بهترین تقدیرات را برای خود در سال پیش رو فراهم آوریم و فرصت را از دست ندهیم.

۲. نزول فرشتگان

اصل نزول فرشتگان در شب قدر بنابر آیات قرآن امری ثابت شده است و بر اساس کلمه «تنزّل الملائکه» در سوره قدر، مفسران آن را، نه تنها در زمان پیامبر، بلکه به معنای استمرار نزول در شب‌های قدر دانسته‌اند^۳ و این عقیده تمام عالمان شیعی و اغلب عالمان اهل سنت است.^۴ اما این‌که نزول فرشتگان برای چیست و بر چه کسی نازل می‌شوند، برخی از روایات نزول فرشتگان را بر امام عصر دانسته‌اند.^۵ اما لزوماً معنای آن، اختصاص نزول فرشتگان بر امام عصر نیست، زیرا سخن از نزول آنان «من کلّ امر» است. در روایتی نیز آمده که آنان پس از نزول، بر هر مومن پاک سلام می‌کنند^۶ بنابراین نزول آنان فراتر از حاضر شدن در پیشگاه امام عصر است. حال که چنین است، چرا نتوان از نزول فرشتگان، فرصتی برای همنشینی با فرشتگان و بهره‌گیری از دعای

۱. شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۱۱۷؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۹۳، ص ۳۷۰؛ ج ۹۴، ص ۱۴.

۲. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۱۸، ص ۱۳۲.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۲۷، ص ۱۸۴؛ فخر رازی، *تفسیر الکبیر*، ج ۳۲، ص ۲۳۳.

۴. شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۱۵۸.

۵. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۸۲، ص ۵۲؛ ج ۹۴، ص ۱۴.

۶. شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۲۳۱؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۹۳، ص ۳۳۸.

آنان در حق مومنان و تقرب به خداوند بهره گرفت! وقتی قلب مومن، جایگاه عرش الهی قرار می‌گیرد^۱ و خداوند در دل انسان مومن جای دارد، پس چرا نتوان دل را در شب قدر، محل نزول و فرود فرشتگان الهی قرار داد!

۳. ره صد ساله

اینکه انسان بتواند به کمالاتی که در تمام عمر در پی دستیابی آن است، در یک شب دست یابد و به تعبیر شاعر، این طفل یک شبه ره صد ساله رود،^۲ شاید تنها یک آرزوی شاعرانه، خیال پردازی شاعر و حقیقتی دست نیافتنی به نظر رسد، اما خداوند به لطف و عنایتش، امکان تحقق این آرزوی را در یک شب برای انسان فراهم کرده است و آن یک شب، جز شب قدر نیست. بیشترین عمر مفیدی که انسان می‌تواند در تحصیل کمال ببیند، شاید بیش از ۸۰ سال نباشد، اما خداوند شب قدری برای انسان قرار داد که ارزش آن حتی بیش تر از عمر مفید انسان (هزار ماه) است.^۳ می‌تواند با انجام یک عمل خیر، ارزش انجام آن را در طی هزار ماه بالاتر و ارزشمندتر قرار دهد؛ آن‌گونه که در روایت از امام باقر علیه السلام آمده است: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَأَنْوَاعِ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»^۴ در آن شب، کار شایسته مانند: نماز و زکات و هر نوع عمل خیری، بهتر از کار در هزار ماهی است که شب قدر در آنها نباشد».

فرصت‌های مشترک

افزون بر ویژگی‌های خاص، ویژگی‌های دیگری نیز برای شب قدر وجود دارد که اگر چه شب‌های دیگر در این ویژگی‌ها با شب قدر اشتراک دارند، اما ارزش آنها در شب‌های قدر بسیار فراتر از سایر شب‌های سال است و این ارزشمندی، فرصت‌های خاصی را متوجه انسان کرده است که از جمله می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم:

۱. شب زنده‌داری

در روایات دینی، به احیاء و شب زنده‌داری در برخی از شب‌های سال توصیه شده است؛ از

۱. «أَنَّ قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشَ الرَّحْمَنِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۹).

۲. غزلیات حافظ، غزل ۲۲۵.

۳. «خیر من الف شهر» (قدر، آیه ۳).

۴. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۵۸.

جمله شب عید فطر و شب نیمه شعبان. در روایتی چنین آمده است: «مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْعِيدِ وَ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛^۱ هر که شب عید فطر و شب نیمه شعبان را احیا کند، در آن روزی که دل‌ها می‌میرند، دل او نمیرد.» همانند این روایت در وصف شب قدر نیز آمده است.^۲ اما فضیلت احیاء در شب قدر، بسیار فراتر از شب‌های دیگر سال است و روایات نیز در مورد آن، با تأکید بیشتری وارد شده است؛ از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «کسی که شب قدر را احیا بدارد، گناهان او آمرزیده شوند، اگر چه به تعداد ستارگان آسمان و سنگینی کوه‌ها و به پیمانانه دریاها باشند.»^۳

شب زنده‌داری و مشغول عبادت خدا شدن، پاداش بسیار بزرگی دارد، چه رسد به این‌که این عبادات در شب با عظمت قدر باشد. بزرگان و اولیای دین، نه تنها در شب قدر، بلکه در شب‌های دیگر سال نیز آن را رها نمی‌کردند.

در وصف حالات و سلوک معنوی شیخ جعفر کاشف الغطاء آمده است: شبی برای خواندن نماز شب از خواب برمی‌خیزد. فرزند جوانش را هم از خواب بیدار می‌کند و از او می‌خواهد با هم برای خواندن نماز به حرم مطهر امام علی علیه السلام بروند. پسرش که در آن وقت شب، برخاستن از خواب برایش سخت بود، بهانه می‌آورد، اما شیخ پافشاری می‌ورزد که حتماً باید با هم به حرم بروند. فرزندش به ناچار و با اکراه برمی‌خیزد و وضو می‌گیرد و با پدر به حرم مطهر امام علی علیه السلام می‌روند.

هنگامی که به درب صحن مطهر می‌رسند، مرد فقیری را می‌بینند که نشسته و دست به طرف مردم دراز می‌کند. شیخ جعفر از فرزندش می‌پرسد: این شخص در این وقت شب اینجا چه می‌کند؟ برای چه اینجا نشسته؟ پسرش می‌گوید: برای گدایی از مردم، شیخ می‌گوید:

این آدم برای مبلغ اندک، این وقت شب از خواب و آسایش دست شسته و دست به سوی مردم دراز می‌کند. آیا تو به اندازه او به وعده‌های خدا درباره شب زنده‌داران اعتماد نداری که می‌فرماید:

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.»^۴

۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۷۷.

۲. «مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ». (سید بن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۷۴).

۳. همان، ج ۱، ص ۲۱۳.

۴. سجده، آیه ۱۷.

فرزند جوانش از شنیدن این جمله، به شدت منقلب می‌شود و دگرگون می‌شود، به طوری که تا آخر عمر نماز شب او ترک نشد.^۱

۲. دعا، مناجات و تلاوت قرآن

دعا، راز و نیاز با خدا و تلاوت قرآن، اختصاص به وقت و زمان ویژه‌ای ندارد و در هر زمان و هر شب می‌توان از طریق آنها با خدا ارتباط برقرار کرد، اما همان‌گونه که شب قدر برتر از تمام شب‌های سال است و عمل عبادی در آنها از اعمال عبادی هزار ماه برتر است، دعا و مناجات نیز در این شب از همین حکم برخوردار است. چه درهایی که با مناجات با خدا به روی انسان باز نمی‌شود. ابن خلکان در شرح حال ابن سینا حکیم بزرگ می‌نویسد: چون ابوعلی سینا مسئله مشکلی برای او پیش می‌آمد، برمی‌خواست وضو می‌گرفت و به مسجد جامع شهر می‌رفت و نماز می‌گزارد و خدا را می‌خواند که آن مشکل را بر وی آسان کند و آن مسئله پوشیده را به رویش بگشاید.^۲ از یک سو دعا‌های خاص در این شب وارد شده است و از سوی دیگر شب قدر، شب نزول قرآن است و به طور خاص در شب بیست و سوم، به خواندن برخی از سوره‌های قرآن، مانند قدر، عنکبوت و روم در آن سفارش شده است.^۳ آیا می‌توان در شب نزول قرآن و برترین و ارزشمندترین شب سال از تلاوت آیات قرآن غفلت کرد و از این فرصت بهره نگرفت؟! قرآن خواندن، سخن گفتن خدا با انسان و نماز خواندن، سخن گفتن انسان با خدا است. اقبال لاهوری می‌گوید پدرم سخنی به من گفت که در سرنوشت من فوق العاده اثر بخشید. می‌گوید: روزی در اتاق خود نشسته و مشغول خواندن قرآن بودم. پدرم آمد از جلوی اطاق من بگذرد، رو کرد به من و گفت: محمد! قرآن را آنچنان بخوان که گویی بر خودت نازل شده است. از آن وقت، من هرگاه به آیات قرآن مراجعه می‌کنم و آنها را مطالعه می‌کنم، چنین فرض می‌کنم که این خدای من است که با من که محمد اقبال هستم دارد حرف می‌زند.^۴ علامه مجلسی می‌گوید: بهترین اعمال در شب‌های قدر، طلب مغفرت و دعا برای خواسته‌های دنیوی، و اخروی و برای پدر، مادر، برادران، بستگان و برادران دینی، خواه زنده یا مرده است.^۵

۱. ضیا آبادی، محمد، شب مردان خدا، ص ۴۷-۴۸.

۲. مختاری، رضا، سیمای فرزندانگان، ص ۱۷۱.

۳. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۵۷۷.

۴. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۴۰.

۵. مجلسی، زاد المعاد، ص ۱۲۶.

بی‌شک با دعا و طلب استغفار برای دیگران، خود را نیز به مغفرت الهی نزدیک کرده است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛ كَسَى كَسِيًّا فِي شَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ»^۱ کسی که در شب قدر باشد و آمرزیده نشود، خداوند او را از رحمت خود دور کرده است. شخصی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید هنگامی که شب قدر را درک کردم، از خداوند چه بخواهم؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: عافیت را.^۲

۳. کسب دانش

در روایات بسیاری ارزش آموختن از ارزش عباداتی چون نماز و روزه برتر دانسته شده است. در روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «قَلِيلٌ مِنَ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعِبَادَةِ»^۳ مقدار اندکی از دانش، برتر از مقدار بسیار عبادت است. در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مَذَاكِرَةِ الْعِلْمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارُهَا وَ قِيَامٍ لَيْلُهَا»^۴ ای ابوذر! نشستن ساعتی برای بحث علمی برای تو، برتر از عبادت یک سال است که روزهایش روزه باشی و شب‌هایش به نماز و عبادت است. بر اساس همین روایات دینی، برخی از بزرگان دینی گفته‌اند که در دو شب بیست یکم و بیست سوم، مذاکره علمی افضل اعمال است.^۵

۴. جمع خیرات در شب قدر

اگر چه ممکن است شب‌هایی از سال در برخی از ویژگی‌ها، مانند احیاء با شب قدر مشترک باشد، اما در هیچ شبی، جز شب قدر تمام ویژگی‌ها و فضایل در آن جمع نشده است. در روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل است که فرمود: «مُوسَىٰ بِهِ خَدَّوْنَهُ عَرَضَ كَرْدًا: «خَدَايَا! قَرَّبَ تَوْرًا مِثْلَ حَبِّ خَلْتِ»^۱ فرمود: «قرب من برای کسی است که شب قدر بیدار باشد.» گفت: «خداایا! رحمتت را می‌خواهم.» فرمود: «رحمت من برای کسی است که بر فقرا در شب قدر رحمت کند.» گفت: «خداایا! جواز گذشتن از صراط را می‌خواهم.» فرمود: «آن برای کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد.» گفت: «خداایا! از درختان بهشت و میوه‌های آن می‌خواهم.» فرمود: «آن برای کسی است که مرا در شب قدر به پاکی و تسبیح یاد کند.» گفت: «خداایا! نجات

۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۶۱.

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۵۸.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴. شعیری، جامع الاخبار، ص ۳۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۳.

۵. شیخ صدوق، امالی، ص ۶۴۹.

می خواهم.» فرمود: «نجات از آتش؟! گفت: «آری.» فرمود: «آن برای کسی است که در شب قدر استغفار کند.» گفت: «خدایا! خشنودی تو را می خواهم.» فرمود: «خشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بخواند.»^۱

حال این ماییم و این همه فرصت که به لطف و عنایت خاص الهی برای این بندگان خاکی، همه آنها تنها در یک شب برای ما فراهم آمده است. از این همه رحمت و فضل الهی که زبان و قلم نمی تواند آن را وصف کند و ما تنها قطره‌ای از آن دریای بی کران را در این نوشتار آوردیم، آیا می توان غافل شد؟!

۱. سید بن طاووس، *إقبال الأعمال*، ج ۱، ص ۱۸۶.